

وصلی اللہ علی سیدنا
محمد وآلہ الطاہرین

بسم اللہ الرحمن الرحیم
والحمد لله رب العالمین

کتاب الخمس

جلسہ شانزدهم: فیما یجب فیہ الخمس

۹۸/۲/۳

[فصل فيما يجب فيه الخمس]

فصل فيما يجب فيه الخمس و هو سبعة أشياء:

الأوّل: الغنائم المأخوذة من الكفّار من أهل الحرب قهراً بالمقاتلة معهم يكون بإذن الإمام عليه السلام؛ من غير فرق بين ما حواه العسكر و ما لم يحوه، و المنقول و غيره كالأراضي و الأشجار و نحوها

خلاصه بحث لغوی:

ماده غنم یغنم مشترکه لفظیة بین معنا الفائدة و معنا غنیمۃ الحرب لانّ اصل المعنی فی الغنیمۃ الفائدة و قد صرح ابن فارس ان هذا الاصل يختص بغنیمۃ الحرب كما فی آية الخمس فكان استعماله فی المعنیین حقیقیّاً یحتاج تعینہ الی القرینۃ.

خلاصه بحث قرآنی:

کلمه غنمتم و مغانم در آیات قرآنی به معنای غنیمت جنگی بکار رفته است.

خلاصه بحث روایی:

ماده غنم بیشترین استعمالش در بحث از زکاة الغنم تکرار شده و به هر دو معنای عام (فائدة یافائدة بلامشقة) و معنای خاص غنیمت جنگی بکار رفته است.

٣- (٤٣)- فَأَمَّا مَا رَوَاهُ- الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَيْسَ الْخُمْسُ

إِلَّا فِي الْغَنَائِمِ خَاصَّةً. (التهذيب ١٢٤/٤؛ الاستبصار ٢/٥٦)

٥٩- وَ رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَيْسَ الْخُمْسُ إِلَّا فِي الْغَنَائِمِ

خَاصَّةً (الفقيه، ٢/٤٠)

الحسن بن محبوب:

از بزرگان شیعه و بنابر قولی از اصحاب اجماع است. از اصحاب امام رضا علیه السلام است که از ۶۰ نفر از اصحاب امام صادق روایت نقل می‌کند و یکی از ارکان چهارگانه زمان خویش است.

و يقال له الزراد يكنى أبا علي مولى بُجَيْلَة كوفي ثقة روى عن أبي الحسن الرضا عليه السلام و روى عن ستين رجلا من أصحاب أبي عبد الله عليه السلام. و كان جليل القدر يعد في الأركان الأربعة في عصره. له كتب كثيرة منها له كتب كثيرة منها: كتاب المشيخة كتاب الحدود كتاب الديات كتاب الفرائض كتاب النكاح كتاب الطلاق كتاب النوادر نحو ألف ورقة. و زاد ابن النديم: كتاب التفسير كتاب العتق رواه أحمد بن محمد بن عيسى و غير ذلك.

أخبرنا بجميع كتبه و رواياته عدة من أصحابنا عن أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي عن أبيه عن سعد بن عبد الله عن الهيثم بن أبي مسروق و معاوية بن حكيم و أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسن بن محبوب. و أخبرنا ابن أبي جيد عن ابن الوليد عن الصفار عن أحمد بن محمد و معاوية بن حكيم و الهيثم بن أبي مسروق كلهم عن الحسن بن محبوب.

و أخبرنا أحمد بن محمد بن موسى بن الصلت عن أحمد بن محمد بن سعيد بن عقدة عن جعفر بن عبيد الله عن الحسن بن محبوب.

و أخبرنا بكتاب المشيخة قراءة عليه أحمد بن عبدون عن علي بن محمد بن الزبير عن الحسين بن عبد الملك الأودي عن الحسن بن محبوب.

و له كتاب المراح. أخبرنا به أحمد بن عبدون عن أبي طالب الأنباري عن حميد بن زياد عن يونس بن علي العطار عن

عبدالله بن سنان:

- عبد الله بن سنان بن طريف: مولى بني هاشم يقال مولى بني أبي طالب و يقال مولى بني العباس. كان خازنا للمنصور و المهدي و الهادي و الرشيد كوفي ثقة من أصحابنا جليل لا يطعن عليه في شيء روى عن أبي عبد الله عليه السلام و قيل: روى عن أبي الحسن موسى عليه السلام و ليس بثبت. (رجال النجاشي ٢١٤)

(مولى قریش یعنی از خویشان قریش (فامیل نزدیک مثل پسرعمو را مولى گویند او مولى بنی هاشم و برخی گفته‌اند مولى بنی عبدالمطلب یا بنی عباس بوده)

ثقة (فهرست الطوسی ٢٩١)

أبو الحسن بن أبي طاهر قال حدثني محمد بن يحيى الفارسي قال حدثني مكرم بن بشر عن الفضل بن شاذان عن أبيه عن يونس بن عبد الرحمن عن عبد الله بن سنان و كان رحمه الله من ثقات رجال أبي عبد الله ع عن أبي عبد الله (ع) قال دخلت عليه أنا مع أبي فقال يا عبد الله أَلِزِمَ أَبَاكَ فَإِنْ أَبَاكَ لَا يَزِدَادُ عَلَى الْكِبَرِ إِلَّا كِبَرًا. حدثني محمد بن قولويه قال حدثني سعد بن عبد الله بن أبي خلف عن محمد بن أحمد بن يحيى عن الحسن بن الحسين اللؤلؤي عن // ذكره عن عمر بن يزيد قال سمعت أبا عبد الله (ع) يقول و ذكر عبد الله بن سنان فقال أما إنه يزيد على السن خيرا و كان عبد الله بن سنان مولى قریش على خزائن المنصور و المهدي. (رجال الكشي ٤١٠-٤١١)

دلالت روایت:

از آنجا که غیر از غنیمت جنگی امور دیگری نیز هستند که به اجماع فقها خمس دارند (مثل رکاز یا کنز) بنابر این معنای روایت احتیاج به توجیه دارد.

در توجیه این روایت چند وجه بیان شده است:

وجه اول: حصر خمس در غنائم حصر اضافی است به معنای حصر خمسی که در قران بیان شده، است چون موارد دیگر با سنت بیان شده است. معنای روایات بنابر این وجه این است که خمسی که در قران آمده تنها غنائم جنگی است. این وجه را شیخ در تهذیب بیان کرده است:

فَالْمُرَادُ بِهِ لَيْسَ الْخُمْسُ بِظَاهِرِ الْقُرْآنِ إِلَّا فِي الْغَنَائِمِ خَاصَّةً لِأَنَّ مَا عَدَا الْغَنَائِمَ الَّتِي أُوجِبْنَا فِيهَا الْخُمْسَ إِنَّمَا يَثْبُتُ ذَلِكَ كُلُّهُ بِالسُّنَّةِ وَلَمْ يُرِدْ عَ أَنَّهُ لَيْسَ فِيهِ الْخُمْسُ عَلَى كُلِّ حَالٍ. (التهذيب ۱۲۴/۴)

نکاتی در این تفسیر شایان ذکر است: اول این که این تفسیر شیخ نشان می‌دهد که فهم عرف عامه از آیه قران صرفاً غنیمت جنگی است. گفتیم که این قول اقوا و منتخب ماست. دوم این که منظور از سنت اینجا سنت نبوی است که از ابن عباس و ابوهریره آمده که «فی الرکاز الخمس» (مسند احمد ۳۱۶/۵؛ مسند الدارمی ۱۰۳۸/۲ و فيه «المعدن جبار» ای مکان استخراج المعدن اذا وقع فيه احد فدمه هدر؛ صحيح البخاری ۷۳/۳؛ صحيح المسلم ۱۳۳۴/۳ و غیرهم)

وجه دوم: این که معنای غنائم در این روایت به معنای عام مطلق الفائده است که شامل تمامی مکاسب و فواید می شود و قرائنی نیز از روایات برای آن ذکر شده است.

فَهَذَا الْخَبَرُ الْوَجْهُ فِيهِ أَحَدُ شَيْئَيْنِ أَحَدُهُمَا أَنَّ يَكُونَ الْمَعْنَى فِيهِ أَنَّهُ لَيْسَ الْخُمْسُ إِلَّا فِي الْغَنَائِمِ خَاصَّةً بِظَاهِرِ الْقُرْآنِ لِأَنَّ مَا عَدَا الْغَنَائِمَ إِنَّمَا عَلِمَ وَجُوبُ الْخُمْسِ فِيهِ فِي السُّنَّةِ وَ لَمْ يُعْنِ أَنَّهُ لَيْسَ فِي ذَلِكَ خُمْسٌ أَصْلًا وَ الْوَجْهُ الثَّانِي أَنَّ تَكُونَ هَذِهِ الْمَكَاسِبُ وَ الْفَوَائِدُ الَّتِي تَحْصُلُ لِلْإِنْسَانِ هِيَ مِنْ جُمْلَةِ الْغَنَائِمِ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ تَعَالَى فِي الْقُرْآنِ وَ قَدْ بَيَّنَّ عَ ذَلِكَ فِي الرَّوَايَةِ الَّتِي ذَكَرْنَاهَا فِي أَوَّلِ الْبَابِ. (الاستبصار ۵۶/۲)

طبق نظر فیض کاشانی این قول قویترین وجه است چون نوعی تفسیر و تعمیم آیه قران محسوب می شود (الوافی ۱۰/۳۱۷)

وجه سوم: حمل روایت به تقیه است. چون مشهور بین عامه این است که خمس فقط در غنائم جنگی است. (کتاب الخمس للحائری ۶۲) و ابن قدامه نقل کرده که حسن (بصری) قائل به این شده که رکاز در صورتی خمس دارد که در زمین جنگ یافت شود ولی اگر در زمین عرب یافت شود زکات دارد. در این حال رکاز نیز نوعی غنیمت جنگی خواهد بود. (المغنی، ج ۵، ص ۳۹۲-۳۹۱)

برخی بر این وجه **اشکال** گرفته‌اند به این بیان که:

۱- برخی بر این وجه اشکال گرفته‌اند که قول مشهور نزد عامه این است که غیر از غنائم جنگی، کنز نیز که در روایتی از پیامبر وارد شده خمس دارد. و اگر در بین اهل سنت کسانی یافت شوند که قائل باشند که خمس در غیر غنائم جنگی نیز وجود دارد آنگاه نمی‌توان روایت را حمل بر تقیه کرد.

۲- در روایت رکاز نیز که اکثر اهل حدیث سنیان آن را ذکر کرده‌اند و آن را به کنز دوران جاهلیت یا هر نوع مدفون در ارض از جمله معدن تفسیر کرده‌اند آمده است که رکاز خمس دارد و قریب به اتفاق آنان (غیر از حسن بصری) قائلند که رکاز غیر از غنائم جنگی است.

جواب:

این اشکال در صورتی وارد است که حصر حقیقی باشد. ولی ممکن است بگوییم که حصر اضافی است و مقصود امام علیه السلام نفی خمس از ارباح مکاسب و فوائد دیگر از روی تقیه است. یعنی حصر نسبت به اموری است که شیعه قائل به خمس آن بوده ولی اهل سنت قائل به آن نبوده‌اند. و اصلاً ناظر به خمس رکاز نیست.

A decorative Islamic geometric frame, resembling a stylized eight-pointed star or snowflake, with intricate patterns in dark brown and gold. The frame is centered on a light gray background. Inside the frame, the Arabic text "والحمد لله رب العالمين" is written in a golden, calligraphic font.

والحمد لله رب العالمين